

یادی از روایتگر سترگ فرهنگ و هنر مردم قروه
مرحوم استاد اسدالله عسگری

محسن صالحی*



مرحوم استاد اسدالله عسگری در سال ۱۲۹۹ در خانواده‌ای از اهالی اصیل قروه چشم به جهان گشود و پس از سپری کردن دوران طفولیت در سال ۱۳۰۶ همزمان با ورود به نخستین مدرسه دولتی قروه که زمان چندانی از تأسیس آن نمی‌گذشت، تحصیلات ابتدایی خود را آغاز کرد و با سختی معیشت تا پایه چهارم ابتدایی درس خواند و با وجود استعداد و نبوغ درخشان و شور و شوق وصف‌ناپذیر برای ادامه تحصیل به علت دایر نبودن کلاس‌های بالاتر در قروه آن زمان، مجبور به ترک تحصیل شد. وی یگانه اولاد ذکور خانواده بود.

همکاری استاد با مرکز فرهنگ مردم

در سال‌های آغازین دهه چهل با تأسیس مرکز فرهنگ مردم ایران به همت مرحوم سید ابوالقاسم انجوی شیرازی (نجوا) گام بزرگی در مسیر احیا و اشاعه فرهنگ عامیانه مناطق مختلف کشور برداشته شد. هسته اولیه مرکز فرهنگ مردم با تهیه و پخش هر پانزده روز نیم ساعت برنامه رادیویی مستقل شکل گرفت و در سال ۱۳۴۶ یکی از اتاق‌های زیر زمین اداره انتشارات و رادیوی آن زمان به طور رسمی به دفتر فرهنگ مردم اختصاص پیدا کرد. از همان سال‌های اولیه، آموزش افراد روستایی و شهرستانی برای گردآوری صحیح آداب و رسوم زادگاهشان آغاز شد و با استقبال طبقات مختلف جامعه، مدت زمان برنامه فرهنگ مردم که مطالب و محتوای آن از محل مطالب ارسالی فرهنگیاران محلی سراسر کشور تأمین می‌شد، به نیم ساعت در هفته افزایش یافت. ورود مرحوم استاد عسگری در چنین شرایطی به جرگه همکاران ثابت‌قدم و سختکوش مرکز فرهنگ مردم، نقطه عطف حیات فکری و فعالیت‌های فرهنگی ایشان به شمار می‌رود. در واقع با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد استاد به لحاظ فکری و ذهنی و اعتقادی، باید آغاز و استمرار همکاری گسترده ایشان با این سازمان فرهنگی را که حدود چهل سال به طول انجامید، مهم‌ترین سرفصل زندگی وی قلمداد کنیم. وی خود درباره آغاز همکاری با مرکز فرهنگ مردم چنین نوشته است:

«... اینجانب اطلاعی از گردآوری فولکلور یا فرهنگ مردم نداشتم.

شبی برحسب تصادف پای رادیو بودم. مرحوم سید ابوالقاسم انجوی شیرازی مجری برنامه فرهنگ مردم اعلان موجودیت برنامه (را) کرد و بعداً مدت ده دقیقه جمع‌آوری فرهنگ مردم مرحوم علی اکبر دهخدا و مرحوم صادق هدایت را بازگو کرد و قسمتی از نگارش علی اکبر دهخدا را از رادیو پخش نمود. بنده همان شب، برگزاری مراسم عید قربان قروه را نوشتم و فردا هر چهار ورق را در پاکتی جا دادم و با پست سفارشی به آدرس ذکر شده فرستادم. پس از چهار روز دیدم مأمور پست مقدر قابل توجهی کاغذ چاپی و پاکت نامه‌رسانی ادارات با یک جلد کتاب

فولکلور سروستان شیراز برایم آورد. در نامه جداگانه‌ای یادآور شده بود
مطلب را در این پاکت‌ها گذاشته، مقداری از گوشه پاکت را قیچی کنید
و رویش بنویسید مطبوعاتی است، به دست ما می‌رسد و شما هم متحمل
خرج نخواهید شد.»

استاد عسگری در طول نزدیک به چهار دهه همکاری مستمر با مرکز فرهنگ مردم،
صدها صفحه مطالب ارزشمند درباره آداب و رسوم مردم قروه، وقایع سیاسی و
اجتماعی منطقه و باورها و اعتقادات و ادبیات و اشعار محلی و حکایات و داستان‌های
عامیانه به رشته تحریر درآورد و به تهران ارسال کرد که این مطالب و نوشته‌ها به
صورت گنجینه‌ای از لطایف و معارف در این واحد که اکنون بخشی از مرکز پژوهش و
سنجش افکار صداوسیما جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید، نگهداری می‌شود.
البته با توسعه فعالیت‌های واحد فرهنگ مردم و ایجاد واحدهایی جدید همچون موزه
صنایع دستی و آرشیو موسیقی محلی و بخش اسناد دولتی و فرمان‌نامه‌ها و قبالة‌نامه‌ها
در سال‌های بعد، همکاری مرحوم استاد عسگری با این مرکز ابعاد گسترده‌تری یافت.
خود ایشان در این باره می‌نویسد:

«... اینجانب شب و روز مشغول فراهم کردن گنجینه فرهنگ مردم
بودم. عرقچینی دادم لیمو خانم مادر تقی اسماعیلی با سوزن و نخ دوخت
که در نوع خود بی‌نظیر بود. کلاه زنانه کردی تهیه کردم، چراغی گلی که
با روغن کرچک می‌سوخت، فرستادم. قلماسنگ از میرزا چوپان گرفتم
فرستادم. کلاه مردانه که از پشم رنگ‌شده در اسفندآباد و بیلاق می‌بافتند،
فرستادم. کلاه نمدی محلی و کیسه مخملی پول فرستادم. کیف چرمی
پول فرستادم که بغلی بود و در دهانه آن از آهن قفل مانند درست شده
بود و فقط صاحب آن می‌توانست در کیف را بگشاید و...».

همکاری پرشور و عاشقانه مرحوم استاد عسگری با واحد فرهنگ مردم که با اتکا به
توانایی‌های ذهنی، هوش و حافظه فوق‌العاده، اطلاعات و شناخت عمیق و فراوان از
مواریث فرهنگی و ادبی مردم منطقه، قدرت نویسندگی بسیار زیاد و صدق و صفای
روحی و روانی وی روز به روز گسترش می‌یافت، ایشان را به عنوان چهره شاخص و

۱۸۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

برجسته‌ای در عرصه گزارشگری و روایت‌گری مکتوب فرهنگ و تاریخ و ادبیات محلی قروه مطرح و معرفی نمود و مقام و منزلت ایشان را نزد مسئولان واحد فرهنگ مردم شناساند و تثبیت کرد.

در کتابچه‌ای که با عنوان «راهنما برای کندوکاو در فرهنگ مردم و حفظ و اشاعه آن»^۱ در زمستان سال ۱۳۶۸ از سوی واحد فرهنگ مردم منتشر شده است، در میان هزاران همکار این مرکز در سراسر کشور نام مرحوم استاد عسگری در شمار حدود ۲۲۰ فرهنگیار برجسته و فعال ایران قید شده است.

مرحوم سیدابوالقاسم انجوی شیرازی زمانی که استاد عسگری در سال‌های قبل از انقلاب به علت بیماری در تهران بستری بوده است، به همراه همکاران، به عیادت ایشان می‌شتابند و از نزدیک و به صورت حضوری از تلاش‌های شبانه‌روزی استاد در زمینه گردآوری و حفظ و اشاعه فرهنگ و آداب و رسوم محلی مردم قروه تشکر و قدردانی می‌کنند. مرحوم استاد عسگری خود این خاطره شیرین را اینگونه بازگو می‌کند:

«... بنده مریض بودم و در یکی از بیمارستان‌های تهران بستری بودم. تلفنی مراتب بستری بودن خود را به اطلاع مرحوم نجوا رسانیده، مشارالیه با همه همکارانش با دسته گلی شایسته به عیادت آمد که موجب رضامندی خاطر و سرافرازیم گردید...».

داستان آشنایی نگارنده با استاد

اما قصه آشنایی نگارنده با مرحوم استاد عسگری به اوایل دهه هفتاد باز می‌گردد. یعنی زمانی که پرسشنامه‌ای را در چارچوب طرح شناخت تاریخ و فرهنگ مردم قروه تنظیم و برای بزرگان، فضلا، صاحب‌نظران و آگاهان محلی قروه، از جمله محضر ایشان ارسال کردم. چندی پس از این فراخوان و نظرخواهی عمومی، نخستین مطلب ایشان را که بسیار مفصل هم بود - در پاسخ به سؤالاتم همراه با نامه تفقدآمیز و دلگرم‌کننده‌ای در تاریخ ۷۲/۸/۲ دریافت کردم و از همان ابتدا دانستم که معدن بزرگی از دانش و

۱. کیوان شمیرانی (۱۳۶۸). راهنما برای کندوکاو در فرهنگ مردم و حفظ و اشاعه آن. تهران: واحد فرهنگ مردم.

اطلاعات و معارف و لطایف ارزشمند را در جغرافیای مردم‌شناسی قروه کشف کرده‌ام و شایسته است حداکثر بهره‌برداری را از محضر پرفیض ایشان به عمل آورم. این مکاتبات که از مهر ماه سال ۱۳۷۲ آغاز شده بود، به تناوب تا هنگام درگذشت ایشان ادامه داشت، اما بخش اعظم آن در فاصله زمانی سال ۷۲ تا ۷۶ صورت گرفت.

ویژگی‌های برجسته شخصیت استاد

شخصیت مرحوم استاد عسگری از نظر جنبه‌های اخلاقی، بی‌نیاز از توصیف است و اهالی قروه و بویژه صاحبان علم و فضیلت منطقه که محضر ایشان را درک کردند، به خوبی از مکارم و فضایل اخلاقی ایشان اطلاع و آگاهی دارند. در واقع آنچه شخصیت ایشان را دوست داشتنی‌تر و دلپذیرتر می‌ساخت، ارزش‌های اخلاقی حاکم بر رفتارهای فردی و اجتماعی استاد عسگری بود که از جمله آنها می‌توان به روحیات ساده‌زیستی، پارسایی و فروتنی، مردم‌داری و انسان‌دوستی، شوخ‌طبعی و بذله‌گویی، محبت و مهربانی، وظیفه‌شناسی و خداترسی و امانت‌داری و تعهد اجتماعی و رعایت حقوق دیگران اشاره کرد.

در اینجا مایلیم تا علاوه بر سجایای اخلاقی استاد عسگری، ویژگی‌ها و توانمندی‌های برجسته ذهنی و فکری و روانی ایشان را بر مبنای مشاهدات خود و آن گونه که من این انسان بزرگوار را در جریان مکاتبات و مصاحبت‌ها و دیدارها و گفتگوهای حضوری‌ام شناختم، برای نوجوانان و جوانان عزیز قروه که قلبشان برای اعتلای نام موطن و زادگاه محبوب خود و خدمت به فرهنگ و هنر و ادبیات محلی این دیار می‌تپد و همواره در اندیشه صیانت و پاسداری از هویت تاریخی و فرهنگی قروه به عنوان زیرمجموعه‌ای تفکیک‌ناپذیر از فرهنگ و تاریخ و تمدن اصیل ایرانی و اسلامی هستند، به اجمال تشریح کنم.

– عشق و علاقه وافر به مطالعه و دانش‌اندوزی

مرحوم استاد عسگری تا آخرین لحظه حیات خود، با وجود کهولت سن و ضعف قوای جسمانی و بویژه آسیب‌دیدگی چشمانش، از خواندن و مطالعه کردن دست نکشید. به جرأت می‌توان گفت هیچ چیز به اندازه دیدن و خواندن یک کتاب برای ایشان لذت‌بخش و بهجت‌زا نبود.

چندی پیش که برای کسب اطلاعات بیشتری درباره زندگی استاد به منزل فرزند محترم‌شان آقای سیروس عسگری رفته بودم، نسخه‌ای قدیمی از قرآن کریم در میان وسایل شخصی ایشان بود که مرحوم استاد عسگری مطلبی به خط خودشان در صفحه داخلی این مصحف شریف به تاریخ ۷۳/۱۲/۶ یادداشت کرده بودند که عین عبارت به این شرح است:

«برای سومین بار قرآن کریم را از اول تا آخر ختم نمودم. از درگاه خداوندیش طلب آمرزش دارم. گویا این آخرین بارم باشد، زیرا چشم بی‌نور شده و قدرت خوانایی ندارد.»

– هوش و حافظه فوق‌العاده قوی

از دیگر ویژگی‌های کم‌نظیر استاد عسگری، هوش و حافظه بسیار قوی و قدرتمند ایشان بود که در جای‌جای مطالبی که نگاشته و برای اینجانب ارسال کرده است، به خوبی این ویژگی به چشم می‌خورد. به گفته فرزندان و بستگان ایشان که در روز آخر زندگی بر بالینش حاضر بودند، استاد عسگری در بستر مرگ نیز تا آخرین لحظات حیات کاملاً هوشیار بود و حکیمانه سخن می‌گفت یا شعر می‌خواند.

برای توصیف هوش و حافظه خارق‌العاده ایشان که مایه شگفتی و درخور تحسین فراوان است، ناچارم به نمونه‌ها و مواردی از مطالب ایشان استناد و اشاره کنم. مرحوم استاد عسگری در مطالبی که پیرامون آداب و رسوم مردم قروه قدیم در زمینه‌های مختلف همچون آداب سفر زیارتی کربلا، رسوم چارواداری، مراسم طلب باران، جشن برداشت محصول و آداب و رسوم دیگری از این قبیل نگاشته‌اند، آن چنان با دقت و

جامعیت و نکته‌سنجی سخن گفته‌اند که آدمی احساس می‌کند کلمه‌ای را از قلم نینداخته و حق موضوع و مطلب را به طور کامل ادا کرده‌اند. وی زمانی که به تشریح قطعات تشکیل‌دهنده آسیاب‌های آبی یا وسایل و ابزار سنتی شخم زدن یا صنعت سفالگری و... در قروه قدیم می‌پردازد، خواننده تصور می‌کند شخص وی از مخترعان و سازندگان اصلی این ابزار و آلات بوده است.

– قدرت و نبوغ سرشار نویسندگی و کتابت

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد مرحوم استاد عسگری در طول چند دهه همکاری مستمر با مرکز فرهنگ مردم بالغ بر صدها صفحه مطلب در تشریح و ترسیم آداب و رسوم مردم شهرستان قروه، وقایع سیاسی و اجتماعی منطقه و سرگذشت مردمان این دیار نوشته و به واحد فرهنگ مردم ارسال کرده است که برخی از این مطالب را ملاحظه و بررسی کرده‌ام و علاقه‌مندان به تحقیق و تتبع درباره فرهنگ و هنر و ادبیات عامیانه قروه می‌توانند با مراجعه به این گنجینه واحد از این منابع سرشار از اطلاعات ارزشمند و دانستنی‌های سودمند استفاده کنند و با سبک نگارش و ادبیات ایشان نیز بیشتر آشنا شوند.

وی در مکاتباتی با نگارنده بیش از ۴۰۰ صفحه مطالب جالب و خواندنی در باره قروه قدیم نگاشتند که امید است منتشر گردد.

وی علی‌رغم کهولت سن و ضعف قوای جسمانی هیچ‌گاه اظهار خستگی و ناتوانی و بی‌حوصلگی نمی‌کرد و با عشق و علاقه و شور و شوق فراوان همچنان به نگارش و ارسال مطالب جدید می‌پرداخت.

خلاصه کلام این است که قدرت نویسندگی و قلم ایشان همچون چشمه‌ای جوشان همواره جاری و ساری بود و در این میان همیشه کاغذ و دفتر کم می‌آورد، اما مطلب هرگز. افزون بر این موارد مرحوم استاد عسگری در بهار سال ۱۳۷۴ به خواهش اینجانب زندگینامه و خاطرات تلخ و شیرین مراحل مختلف زندگی خود را ظرف کمتر

۱۸۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

از یک ماه در ۲۰۰ صفحه به رشته تحریر درآورد. زبان حال قلم ایشان این شعر فرمانروای ملک سخن حضرت سعدی شیرازی است که می‌فرماید:
 به پایان آمد این دفتر، حکایت همچنان باقی است
 به صد دفتر نشاید گفت حسب‌الحال مشتاقی

آشنایی با دیدگاه‌ها و اندیشه‌های استاد

استاد عسگری نمونه بارزی از افراد باسواد قدیم به شمار می‌رود که با اتکا به توانایی‌ها و نبوغ ذاتی خود و مطالعه و خواندن و نوشتن بسیار، عمر شریفش را وقف احیا و اشاعه و پاسداری از میراث تاریخی و فرهنگی گذشتگان این سرزمین کرد. ایشان علاوه بر شناخت و معرفی آداب و رسوم مردم قروه قدیم، با مظاهر تمدن جدید و آموزش‌ها و نگرش‌های نوین به زندگی و دستاوردهای مثبت جامعه بشری نیز آشنا بود، اما می‌توان در نوشته‌های وی نوعی نگرانی را در قبال خطرات و تهدیدهایی که از سوی تمدن مادی غرب متوجه ارزش‌های اخلاقی و معنوی جامعه ایرانی از جمله جامعه کوچک قروه است، همراه با نگاهی حسرت‌آلود به گذشته، ردیابی و شناسایی کرد. استاد عسگری به معنای واقعی کلمه فردی روشنفکر و دارای تعهد اجتماعی و دغدغه اخلاقی در برابر سرنوشت تاریخی و فرهنگی زادگاهش بود و در این مسیر گام‌های بلندی برداشت. در اینجا فرازهایی از نوشته‌های ایشان را که پژواک قلب دردمند و انعکاس دیدگاه‌های مسئولانه و مظهر اندیشه‌های خیرخواهانه اوست، نقل می‌کنیم:

- چگونگی حفظ زبان‌های محلی

وی درباره روش‌های حفظ و اشاعه زبان‌های محلی قروه در برابر هجوم واژه‌های بیگانه می‌نویسد:

«همانطور که ملاحظه می‌فرمایید دنیا در حال تغییر و تحول است.

سردر مغازه‌ها، همه واژه‌های زبان خارجی، مانند سوپرمارکت یا

ترانسپورت یا کلمه مرسی بوسیله کسانی که به خارج مسافرت کرده و این واژه‌ها را با خود به خاطر پز دادن به ارمغان آورده، با زبان شیرین اصیل ایرانی چه فارسی، چه ترکی، چه کردی، چه لری در یک ردیف قرار داده‌اند و سنت هر کشوری را به هم زده، آداب و رسوم اجدادی را در بوته فراموشی قرار داده (است). بنابراین چاره‌ای نیست مگر از دیوان شعرای نامدار فارسی، ترکی و کردی مدد جوییم و از سروده‌های آنها یاری طلبیم تا بتوانیم دوباره گنجینه از دست رفته را بازیابیم. شادروان محمدحسین شهریار در اشعار حیدرآبایی خود خدمت بزرگی به فولکلور زادگاه خود کرده که در دنیای کنونی بی نظیر است.»

– منزلت رفیع پدران و مادران

مرحوم استاد عسگری درمطلب دیگری ضمن شرح آداب و رسوم ازدواج در قروه قدیم می‌نویسد:

«... این مراسم از یادگاران زمان قدیم بود که کوچک‌تران برای بزرگان قوم خود ادای احترام می‌نمودند. مادرزن تا دم آخر به عروس امر و نهی می‌کرد. پسران تا آخر عمر پدر، یار و مددکار او بودند. چند پسر با زن و بچه در یک حیاط با پدر و مادر خود زندگی می‌کردند. پشت در پشت هم در امور کشت و زرع و خانه‌داری کمک هم بودند. عروسان و دختران خانواده مشغول پشم‌ریسی و قالیبافی و مشک‌زنی و فراهم کردن مشتقات لبنیات بودند. پسران و نوادگان مشغول امور زراعت بودند. چون پشتیان و مددکار هم بودند، خداوند متعال هم به روزی آنها می‌افزود و برکت در کارشان زیادت می‌گرفت. خوشحال و سرافراز، پرنعمت و شادمان ایام را سپری می‌کردند و در هر کاری پدر را مشاور و راهنمای خود دانسته و از او حرف شنوی داشتند. از (وجود) مادر و تجربه عمر پربرکت او تا حد امکان استفاده می‌بردند و در هر کاری او راهنمای

۱۹۰ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

دختران و عروسان خود بود. در واقع می‌شود گفت اینگونه خانه‌ها نمونه‌ای از بهشت برین بود که خدای مَنان رسیدن به آن را به بندگان صالح و نیکوکار خود در کتاب آسمانی وعده داده است. احترام، ادب و تقوا و پرهیزکاری همه از موهبت‌های الهی است که به بندگان خود ارزانی فرموده است...»

– افتخار و علاقه‌مندی به میهن

استاد عسگری در پاسخ به سؤالی درباره آثار به جای مانده از دوران زردشتی‌ها در منطقه قروه پس از شرح این آثار، شعله وطن‌دوستی از قلبش زبانه می‌کشد و می‌نویسد: «... کندن قنات و جاری ساختن آب زیر زمین در روی زمین و آب قنات‌ها را قطره قطره به مصرف رساندن و از آن بهره‌مند شدن همه و همه گویای عشق و علاقه بیش از حد مردمان ایران باستان بود که هم در دفاع از تمامیت ارضی کشور مشهور عالم بودند و ایران را به امپراتوری عظیمی مبدل کرده بودند و هم در عمران و آبادی سرآمد جهان و جهانیان گردیدند. آثار باستانی و تاریخی بیستون، طاق بستان، نقش رستم، تخت جمشید و هزاران اثر ارزنده بیشتر و بهتر از اینها که بر ما پوشیده است، از پرتو همت والای این دلیرمردان و پهلوانان ایران زمین فراهم شده و به دست آمده است.»

روزها و لحظات آخر عمر استاد

به گفته آقای سیروس عسگری، مرحوم پدرشان با وجود کهولت سن از بیماری خاصی رنج نمی‌برد و اصولاً به علت تغذیه ساده‌ای که داشت و اغلب از غذاهای سنتی تناول می‌کرد، دارای بنیه جسمی سالمی بود و فقط در ماه‌های آخر زندگی دنیوی، قند خونس دچار نوسان شده بود که همین امر موجب بیماری و بستری شدنش در منزل و چند روزی در بیمارستان شد.

دکتر فردین گوهری خواهرزاده اینجانب و داماد این خانواده محترم نیز خاطره‌ای از ملاقات با استاد عسگری در آخرین ماه‌های زندگی‌اش در زمانی که در منزل بستری بود، برای نگارنده نقل کرد که شنیدنی است و از علایق و دل‌بستگی‌های روحی و معنوی استاد عسگری حکایت دارد. ایشان می‌گفت: «... در یکی از روزهای زمستان سال ۸۲ به همراه همسر به عیادت مرحوم آقای عسگری رفتیم و پس از سلام و احوالپرسی با توجه به اینکه در ایام محرم به سر می‌بردیم، استاد در حالی که می‌گریست شروع به خواندن اشعار تعزیه در وصف سرور و سالار شهیدان حضرت امام حسین علیه السلام و علمدار دشت کربلا حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام و دیگر شهدای قیام حسینی کرد و بدون اینکه مکث کند یا تپقی بزند، اشعار زیادی را با چشمانی اشکبار قرائت نمود و سپس برای ما تعریف کرد:

«در زمان کودکی به علت عشق و علاقه فراوانی که به مجالس تعزیه داشتیم، قبل از شروع این‌گونه مجالس و تجمع مردم، برای بهتر شنیدن اشعار به بالای درختی که در وسط میدان شبیه‌خوانی قروه قدیم بود، می‌رفتم و از آغاز تا پایان مراسم با دقت به اشعاری که خوانده می‌شد، گوش می‌دادم و آنها را به خاطر می‌سپردم.»

مرحوم استاد عسگری سرانجام پس از حدود ۸۴ سال زندگی شرافتمندانه و پربرکت با ارائه آثار و خدمات ارزشمند فکری و فرهنگی به جامعه و فراهم ساختن گنجینه‌ای از معارف و لطایف در شناخت مردمان قروه قدیم و حفظ و اشاعه میراث معنوی گذشتگان و سپردن امانات و ودایع تاریخی ساکنان این دیار به نسل‌های جدید در ساعت ۱۱ شب پنجشنبه مورخ ۸۳/۳/۲ دعوت حق را اجابت کرد و به دیار باقی شتافت.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی